



۲۰۱۹/۱۰/۲۳



مرجان کمال

## تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم فریده نوری

قسمت بیست و هشتم



کان سرو نو برآمده از بوستان برفت  
وه این چه نیش بود که تا استخوان برفت  
برق جهنده چون برود همچنان برفت  
گز تو خبر نیامد و از من فغان برفت  
داروی دل چه فایده دارد چو جان برفت  
این صد یکیست کز غم دل بر زبان برفت

همچون شقایم دل خونین سیاه شد  
خوردم زخم ها که نه خون آمد نه آه  
چشم و چراغ اهل قبایل ز پیش چشم  
زهار از آن شبانگه تاریک و بامداد  
زخمی چنان نیست که مرهم توان نهاد  
شرح غمت تمام نگفتم همچنان



فصل سوم

Chapitre III

فهرست عمل دسته جمعی

بالاخره پدیدار شدن آخرین پدیده:

افزایش روز افزون قربانیان ملکی به دلیل بلند رفتن حملات انتحاری، زیرا تعداد حملات انتحاری از هفته مرتبه در سال 2005 میلادی به زیادتز از صد مرتبه در سال 2006 میلادی صعود نمود. این شکل خشونت بدون تمایز در اکثریت شهرها، محلات و مناطق خورد و بزرگ کشور، مانند گردیز، غزنی، جلال آباد، خوست، لشکرگاه، قندهار، ترین کوت و پایتخت کابل، از جمله شهر های هستند که شورشیان زیادتزین حملات شان را انجام می دهند.

تحلیل فهرست حملات دسته جمعی به ما اجازه دانستن طرز العمل حملات اغتشاشیون را داده و از مفهوم این فهرست حملات دسته جمعی قسمی دانسته شد، که اجازه بررسی و مطالعه از ارتباطات بین شورشیان، مخالفین شان و ناظرین خارجی درگیری ها را می دهد. انالیز یا تحلیل فهرست برای مشخص ساختن خشونت مسلحانه ما را برای تحقیق نمودن به ارتباطات که بین اعضا شورشیان و مردم محل گره خورده است، رهنمایی می کند، که آیا با زور و فشار این ارتباطات به وجود آمده است؟

آیا شورشیان موفق می شوند تا ناظرین را نیز به هواداران و طرفداران خود مبدل سازند؟

آیا ترتیبی که شورشیان طالب با مخالفین خود عمل می کنند به نفع شان می باشد؟

میتود و یا راه و روش نو شورشیان، نوع روش خشونت های کورکورانه نبوده، نشان دهنده یک ابزار مطلقاً دقیق جهت تأثیر آوردن قدرت های محلی می باشد.

در ادارات و مراکز مختلف اداری که شورشیان حضور دارند، حمله های هدفمندانه که عبارت از حملات انتحاری می باشد از سال 2005 میلادی به بعد، علیه مامورین دولتی، رهبران قومی و اعضای دولتی ولایتی و همچنان قوای امنیتی افغان که شامل اردوی ملی افغان و پولیس ملی افغان و قوای ائتلاف بین المللی رو به افزایش هستند.

## فهرست ستراتیژیکی عمل دسته جمعی:

بر علاوه وسعت یافتن خشونت از نقطه نظر جغرافیایی، بلند رفتن قابل ملاحظه اغتشاش با بلند رفتن افراد متحرک و بلند رفتن تعداد حملات مستقیم و غیر مستقیم علیه قوت های تحت فرماندهی امریکا و همچنین قوای بین المللی برای امنیت حمایت (ISAF) و قوای امنیتی ملی افغان که شامل پولیس و اردو می باشد.

در سال 2003 میلادی گروپ های 50 نفری شورشیان در نقاط مختلف کشور در گردش بودند، بعد از سال 2006 میلادی حملات توسط گروپ های 200 تا 300 نفری در ولایات مختلف و خصوصاً قندهار و هلمند صورت می گرفت.

از طرف دیگر هدف طالبان ناپایدار ساختن، بی موازنه ساختن و محدود ساختن دولت می باشد. مامورین ملکی در ادارات ولایتی و مخصوصاً ولسوال ها مورد حمله قرار می گیرند، همچنین کارکنان بین المللی و کارکنان محلی مؤسسات انکشافی را هدف قرار می دهند.

وسعت یافتن شورش بالای قلمرو سبب خارج ساختن اقتدار دولتی در سطح محلات گردیده و همچنان از دست دادن کنترل سرک های اساسی مانند راه های که به طرف پایتخت می آیند.

سرک قندهار هدف حمله های بسیار زیاد در قسمت قندهار - غزنی بعد از سال 2003 میلادی، و بعداً حملات بین راه کابل - غزنی از سال 2005 به بعد وسعت یافت.

بین سال های 2006 - 2007 میلادی، راه خروجی دومی در جنوب پایتخت کابل که به طرف ولسوالی برکی برک ولایت لهوگر نیز عین تحول به مشاهده رسید. از سال 2008 میلادی راه خروجی شرق شهر به طرف جلال آباد نیز هدف حمله های پی در پی واقع گردید. در راه خروجی شمال امنیت کمتر خراب بود، مگر احتمال خرابی آن به دلیل حضور تعداد زیاد شورشیان در ولایت کاپیسا که در کنار غربی این سرک واقع می باشد و همچنان در بعضی از ولسوالی های ولایت پروان که در شرق آن و در همسایگی آن قرار دارد.

به این ترتیب ستراتیژی که توسط ملا داد الله در ماه جولای 2005 میلادی ابلاغ گردید، که گرفتن شهرها برای جنگجویان ما هیچ مشکلی را پیش نمی کند، بر عکس فعالیت های آن ها هدفمندانه علیه دولت می باشد که عبارت از محاصره نمودن و بی ثبات ساختن توسط حملات منظم و پی در پی از پایگاه های شان سبب اختناق دولت می گردد.

شورشیان در پایگاه های شان دارای تشکیلات اداری موازی به دولت را نیز تأسیس نموده اند. (مصاحبه در قندهار در سال 2005 میلادی و در کابل در سال 2007 میلادی).

در شروع یعنی در سال 2002 میلادی خشونت شورشیان تنها در مناطق نزدیک به سرحد پاکستان بود، حملات پراکنده مانند کمین گرفتن و خلق نمودن نگرانی برای قوای ائتلاف بین المللی، قوای امنیتی افغان و مامورین دولتی ولایت و ولسوالی شروع شد، که جمع این عملیات ها تشکیل کننده فهرست جنگ چریکی سنتی تحریک طالبان را تشکیل می دهد. در اخیر سال 2005 میلادی، حملات خشونت بار طالبان مانند حملات انتحاری که اکثراً هدف آن قوای نظامی دولتی بود، افزایش یافت.

قوای ائتلاف بین المللی و دولت، حمایت بیرونی ها را دلیل قوی شدن و تحول شورشیان دانستند، و مخصوصاً دولت پاکستان توسط حامد کرزی مسئول شناخته شد، در حالی که سخنگویان مختلف شان القاعده را متهم می دانستند.

در شروع داخل شدن شورشیان به جنگ و اغتشاش، سبب عدم پذیرش و رد مردم قرار گرفت. با این همه، این تحول به شورشیان اجازه داد تا یک تهداب قوی و بزرگ را برقرار ساخته، که توسط آن ستراتیژی خود را تقویت ببخشند: دو عنصر مهم امتیاز را، که جنگجویان با اشتراک به این اغتشاشات به دست می آورند، یا بردن جنگ که موفقیت شان به جهاد است و دیگری تلفات جانی، به شهادت رسیدن، که برای شان یک امتیاز بزرگ تلقی می گردد.

این دو عنصر ستراتیژیکی یا شهید یا غازی به صورت بسیار وسیع توسط تمام اعضای گروپ قبول شده است. این مشخصات شورشیان مورد قبول اهالی قرار گرفته است، و همین قبول شدن شان توسط اهالی، جذب و جلب و استخدام داوطلبان را برای پیش برد اغتشاش و حملات انتحاری کمک می نماید.

ادامه دارد